



یادداشتهای قرآنی

دکتر فریدون سیامکنزاد

یادآوری

بحث فشرده‌ای پیرامون ایمان آوردن گروهی از طایفه جن به پیامبر اسلام (ص) و کتاب آسمانی او در آیه فوق آمده است، تا این حقیقت را بر مشرکان مکه بازگو کند که چگونه طایفه به ظاهر دور افتاده جن، به این پیامبری که از انس است و از میان شما برخاسته ایمان آوردند، ولی شما هم چنان بر کفر خویش اصرار می‌ورزید و به مخالفت خود ادامه می‌دهید.

بسم الله الرحمن الرحيم

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ
فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى
قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ (آیه ۲۹ سوره احقاف)

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند. وقتی حضور یافتند، به یک دیگر گفتند: خاموش باشید و بشنوید و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آن‌ها را بیم دادند.

که پیوسته طالب آن هستند تا دیگران را از حقایقی که خود آگاه شده‌اند، آگاه سازند و منابع ایمان خود را در اختیار آن‌ها قرار دهند (جمعه ۱۳/۱/۱۴۰۰).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ
مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (آیه ۳۰ سوره احقاف)
گفتند: ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم
که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با
نشانه‌های کتاب‌های پیش از آن، که به
سوی حق و راه راست هدایت می‌کند.

یادآوری

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید در مورد
آیه قبل به این مسأله اشاره کردیم که
گروهی از طایفه جن به پیامبر اسلام (ص)
و کتاب آسمانی او ایمان آوردند. این نکته
نیز به این خاطر بود که به مشرکان مکه
یادآوری کنند که این گروه جن به پیامبری
که از انس بود، ایمان آوردند ولی شما هم
چنان به کفر اصرار می‌ورزید و به مخالفت
خود ادامه می‌دهید.
بنابراین، آیه فوق بیانگر چگونگی دعوت
این گروه از قوم خود به هنگام باز گشت
به سوی آن‌ها است. دعوتی منسجم،
حساب شده، کوتاه و پرمعنا، گفتند: ای قوم!
ما کتابی را استماع کردیم که بعد از موسی
از آسمان نازل شده است.

در حقیقت، باید گفته شود که داستان
قوم عاد که در آیات قبل به آن اشاره کردیم،
هشدار برای مشرکان مکه بود و داستان
ایمان طایفه جن، هشدار دیگری است.
نخست می‌فرماید: به خاطر بیاور موقعی
که گروهی از جن را به سوی تو متوجه
ساختیم که به قرآن گوش فرا دهند.
تعبیر به صرفنا از ماده صرف که به
معنی منتقل ساختن چیزی از حالتی به
حالت دیگر است، ممکن است اشاره به این
معنی باشد که طایفه جن، قبلاً از طریق
استراق سمع به اخبار آسمان‌ها گوش فرا
می‌دادند، ولی با ظهور پیامبر اسلام (ص) از
آن باز گردانده شدند و به سوی قرآن مجید
روی آوردند.

سپس می‌افزاید: هنگامی که در برابر
قرآن مجید حضور یافتند و آیات روح پرور
آن را شنیدند، به یک دیگر گفتند خاموش
باشید و بشنوید.
این موقعی بود که پیامبر در دل شب،
یا به هنگام قرائت نماز صبح، آیات قرآن
را تلاوت می‌فرمود.
سرانجام نور ایمان در دل آن‌ها تابیدن
گرفت و حقانیت آیات قرآن را در درون جان
خود لمس کردند. از این رو، هنگامی که
تلاوت قرآن پایان یافت، هم چون مبلغانی
به سوی قوم خود رفتند و آن‌ها را انذار
کردند و از حقیقتی که نصیبشان شده بود،
آگاه ساختند.
این چنین است راه و رسم افراد با ایمان،

یادآوری

به دنبال مطالبی که در آیات قبل پیرامون ایمان آوردن گروهی از طایفه جن به میان آوردیم و اشاره داشتیم که ایمان آوردن این طایفه هشداری به کفار مکه بود که آگاه باشند که وقتی طایفه جن به پیامبری از نوع انس ایمان می‌آورند، شما هیچ توجیهی برای اصرار بر کفر خویش ندارید. در آیه فوق به دنبال مطالب از پیش گفته شده چنین می‌فرماید که ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید، تا گناهان شما را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد. در واقع، باید گفته شود که نتیجه اجابت دعوت کننده الهی و ایمان آوردن به او، دو پاداش بزرگ است که به شما ارزانی می‌دارد. اول این که گناهانتان را می‌بخشد و دیگر آن که شما را از عذاب دردناک پناه می‌دهد.

در آیه فوق منظور از دعوت کننده الهی، پیامبر اسلام (ص) است که آن‌ها را به سوی الله رهنمون می‌شد و از آن جا که بیشترین ترس و وحشت انسان از گناهان و عذاب دردناک قیامت است، امنیت در برابر این دو امر را مطرح کردند تا بیش از همه جلب توجه کند.

کلام آخر این که همه افراد نوع بشر باید بدانند و آگاه باشند که در سایه ایمان به پروردگار و انجام عمل صالح، نه تنها از گناه و گمراهی دوری می‌شود، بلکه اگر لغزشی هم وجود داشته باشد، خداوند تبارک

این کتاب اوصافی دارد. نخست این که کتاب‌های آسمانی قبل از خود را تصدیق می‌کند و محتوای آن، هماهنگ با محتوای آن‌ها است و نشانه‌هایی که در کتب پیشین آمده است، در آن به خوبی دیده می‌شود. وصف دیگر این که، همگان را به سوی حق هدایت می‌نماید، به گونه‌ای که هر کس عقل و فطرت خویش را به کار گیرد، نشانه‌های حقانیت را به روشنی در آن می‌یابد. آخرین وصف نیز این که به سوی راه مستقیم دعوت می‌کند.

تفاوت دعوت به حق با دعوت به راه مستقیم، ظاهراً در این است که اولی اشاره به اعتقادات حق است و دومی به برنامه‌های عملی مستقیم و صحیح اشاره دارد. کلام آخر این که باید در نظر داشته باشیم که راه و رسم افراد با ایمان چنین است که پیوسته طالب آن هستند تا دیگران را از حقایقی که خود آگاه شده‌اند، آگاه سازند و منابع ایمان خود را در اختیار آن‌ها قرار دهند (شنبه ۱۴/۱/۱۴۰۰).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجْرِمَكُمْ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ
(آیه ۳۱ سوره احقاف)

ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید، تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد.

جز او پناهگاهی وجود دارد و نه انسان می‌تواند از محیط اطراف خود بگریزد و به جای دیگری فرار کند!

بنابراین، باید در نظر داشته باشیم که انسان به هیچ وجه قادر نیست که از چنگال مجازات الهی فرار کرده و خود را از حیطة اقتدار پروردگار مخفی نماید.

تعبیر به فی الارض (در زمین) اشاره به این است که هر جای زمین بروید، ملک خدا است و از حیطة قدرت او خارج نخواهد بود. اگر هم سخنی از آسمان نمی‌گویید، به خاطر این است که به هر حال، جایگاه جن و انس، هر دو روی زمین است.

کلام آخر این که، انسان در هر صورت و در هر حالتی، نتیجه عمل خود را خواهد دید. دنیا دار مکافات است و اگر پایی کج گذاشته شود، سزای آن به انسان باز خواهد گشت. در آخرت نیز همه افراد نوع بشر باید پاسخگوی اعمال خود در دنیا و در برابر دادگاه عدل الهی باشند (دوشنبه ۱۴۰۰/۱/۱۶).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَلَمَّ يَرَوْنَ أَنَّ اللّٰهَ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ
الْاَرْضَ وَ لَمْ يَعْیٰ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلٰی اَنْ
يُّحِیِّءَ الْمَوْتٰی بَلٰی اِنَّهٗ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
(آیه ۳۳ سوره احقاف)

آیا آن‌ها نمی‌دانند خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آفرینش آن‌ها ناتوان نشده است، می‌تواند مردگان را زنده کند؟! آری او بر هر چیز توانا است.

و تعالی در سایه لطف و مَرَحمت خویش از آن‌ها چشم پوشی می‌کند. البته، باید بدانیم که حق الناس وجه دیگری دارد که باید حتماً از صاحب حق، حلالیت طلبیده شود (یکشنبه ۱۴۰۰/۱/۱۵).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَمَنْ لَا يُحِبُّ دَاعِیَ اللّٰهِ فَلِیْسَ بِمُعْجِزٍ فِی
الْاَرْضِ وَ لِیْسَ لَهُ مِنْ دُوْنِهٖ اَوْلِیَآءٌ اَوْلٰٓئِكَ
فِی ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ (آیه ۳۲ سوره احقاف)

و هر کس به دعوت کننده الهی پاسخ نگوید، هرگز نمی‌تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند و غیر از خدا، یار و یاورى برای او نیست. چنین کسانی در گمراهی آشکار هستند.

یادآوری

در ادامه آیات قبل که پیرامون ایمان آوردن گروهی از جن بود، در آیه فوق سخن مبلغان جن را چنین باز گو می‌کند: آن‌ها به قوم خود گفتند: هر کس دعوت داعی الهی را پاسخ نگوید، نمی‌تواند از چنگال عذاب خداوند در زمین فرار کند و یاور و سرپرستی غیر از پروردگار یکتا برای او نخواهد بود. از این رو، این گروه در گمراهی آشکار هستند.

باید در نظر داشته باشیم که چه گمراهی از این بدتر و آشکارتر که انسان به ستیزه‌جویی با حق و پیامبر خدا و حتی با خدا بر خیزد، که نه در تمام عالم هستی

یادآوری

همان‌گونه که تاکنون ملاحظه فرموده‌اید، قرآن مجید به کرات راجع به معاد سخن به میان آورده، از راه‌های گوناگون به اثبات آن پرداخته است. مسأله معاد بعد از اعتقاد به توحید و یگانه پرستی، از جمله مسایل مهمی است که باعث می‌شود تا افراد نوع بشر مراقب اعمال خود در این جهان باشند و بدانند که روزی به حساب و کتاب همه رسیدگی شده، در برابر دادگاه عدل الهی باید پاسخگو باشند. این را هم باید در نظر داشته باشیم که در روز رستاخیز با عدالت با همه برخورد شده، هیچ حقی از کسی پایمال نشده، خداوند با عدالت و رحمت خود با مخلوقات برخورد خواهد کرد.

از این رو، در آیه فوق چنین می‌فرماید: آیا آن‌ها نمی‌دانند خداوندی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آفرینش آن‌ها هرگز خسته و ناتوان نشده، قادر است که مردگان را زنده کند. آری او بر هر چیز توانا است. آفرینش آسمان‌ها و زمین، با موجودات رنگارنگ و مختلفش، نشانه قدرت او بر هر

چیز است، چرا که هر چیز به تصور آید، او در این عالم آفریده است. با این حال چگونه ممکن است از تجدید حیات انسان‌ها عاجز باشد؟ این دلیلی دندان شکن بر مسأله امکان معاد است.

اصولاً بهترین دلیل بر امکان هر چیز وقوع آن است.

ما که این همه پیدایش موجود زنده و جاندار را از موجودات بی جان می‌بینیم، چگونه می‌توانیم در قدرت مطلقه او بر مسأله معاد، تردید به خود راه دهیم؟ این یکی از دلایل متعدد معاد است که قرآن مجید در آیات مختلف، از جمله در آیه ۸۱ سوره یس، روی آن تکیه کرده است.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا از گناه دوری کنیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج حفظ آبروی دیگران بوده، اجتماع و مردم را از غیبت کردن و تهمت زدن، بر حذر دارند (سه شنبه ۱۳۰۰/۱/۱۷).
ایام تان به کام، عاقبت تان ختم به خیر.
التماس دعا.